



یادداشت

!خواسته های مردم خوزستان. خواسته های همه مردم ایران است

صادق کار



خیزش سلحشورانه مردم زحمتکش و زیر ظلم و ستم خوزستان به رغم همه تهدیدات و کشتار عده ای از آنها توسط نیروهای امنیتی همچنان با وجود گذشت یک هفته از آن ادامه دارد و در حال گسترش است. اینک این خیزش مردمی از سطح خوزستان فرا تر رفته و دامنه آن به تهران، خرم آباد، اصفهان و الیگودرز امتدا پیدا کرده است. انکشاف خیزش به شهرهای دیگر کشور به منزله خودی دانسته آن توسط مردم ایران و استقبال از آن و شکست مفتضحانه دستگاه های سرکوبگر حکومتی برای منزوی کردن آن است. موج حمایت های وسیع گروه های مختلف اجتماعی و امتداد یافتن دامنه خیزش به شهرهای دیگر و حقانیت مبرهن آن موجب گردیده است که سران حکومت نیز بعد از ۸ روز سکوت، بر حق به جانب بودن مردم اذعان نمایند

علی خامنه ای در سخنانی بر به حق بودن اعتراض مردم خوزستان اذعان نمود و مثل همیشه آن را به دلیل اجرا رهبر " : نشدن توصیه های خود گذاشت و تقصیر را به گردن دیگران نهاد. روزنامه انتخاب از قول خامنه ای نوشت معظم انقلاب با گلایه از رعایت نشدن توصیه های متعدد قبلی درباره آب خوزستان و فاضلاب اهواز افزودند: اگر آن توصیه ها مورد توجه قرار می گرفت مسلماً این وضع ایجاد نمی شد که مردم وفادار خوزستان را با وجود این همه اما او نگفت اگر علت نارضایتی . ". امکانات و استعداد های طبیعی و کارخانجات در استان، نارضایتی و ناراحت کند مردم بخاطر رعایت نشدن توصیه های او ست و از زیر دستان خود هم "گلایه" کرد، پس چرا ماموران سرکوبگرش را برای کشتار بی رحمانه مردمی که به قول خودش به حق دست به اعتراض زده اند فرستاده و این همه معترض را که تنها جرم شان حق طلبی است به خاک و خون کشیده و زندان هایش را از آنها پر کرده است. روحانی نیز ضمن اذعان به حقانیت اعتراض مردم خوزستان، مردم را به پیگیری خواسته هایشان از طریق قانونی و در چهار چوب قانون حواله داد. گویی در مملکت قانونی عادلانه و دمکراتیک وجود دارد و دولتمردان آن را



رعایت می کنند. این برخورد واقعا شایدانه است. اگر قانونی وجود داشت که کار مملکت به بن بست نمی رسید. هم خامنه‌ای و هم روحانی دارند فریبکاری می کنند. نظر واقعی آنها همین سرکوبی است که ۸ روز است به دستور خود آنها انجام میگیرد. البته سرکوب خیزش مردمی خوزستان نه به اسانی جنبشهای پیشین است و نه وضعیت جامعه این اجازه را به آنها می دهد. هر کس که بسوی مردمی که خواستهای اولیه شان آب و نان است شلیک کند جنایتکار است. همین واقعیت خود موجب تردید و تمرد عده‌ای از ماموران از فرمان شلیک بسوی مردم خواهد شد.

گسترش خیزشهای اجتماعی بعد از تحریم گسترده انتصابات فرمایشی توسط مردم البته دور از انتظار نبود، اما نه با این سرعت و پس از آن همه وعده معیشتی که توسط رئیسی و محافظه کاران به مردم داده شد. خود حکومتی ها هم از سرعت و ابعاد گسترده اعتراضات غافلگیر شده‌اند. وقتی همه راه های اعتراض و حق طلبی را مسدود می کنند، و وقتی که انبوهی از بحران و مشکلات و مطالبات پاسخ نگرفته در جامعه روی هم تلنبار می شوند و رژیم فاسد و نالایق نشسته بر مسند قدرت قادر به رفع آنها نیست این بسیار طبیعی است که مردم آماده انفجار با چنین سرعتی به اعتراض برخیزند. همین مسئله در مورد آغاز اعتصاب تاریخی کارگران نفت نیز صدق می کند. خیزش خوزستان نیز مانند خیزش دی و آبان علاوه بر بی آبی و فاجعه زیست محیطی ریشه در فقر، بیکاری، استبداد و معضلات و مشکلات پاسخ نگرفته مردم دارند و در واقع از همان جنس است و نیک که بنگریم خواسته هایشان همان نان، کار آزادی است که حالا بی آبی و محیط زیست نیز بر آنها افزوده شده اند. این مطالبات اکنون جزء مهمترین مطالبات کارگران و مزدبگیران و سایر گروه های اجتماعی نیز می باشد. بهمین جهت هم هست که با حمایت گسترده کارگران و مزدبگیران و سایر گروه های اجتماعی مواجه شده

اصولا سرکوب اعتراضات مطالباتی به دلیل خصلت مطالباتی شان آسان نیست و اگر بطور موقت بتوانند سرکوب شان کنند ظرف مدت کوتاهی با قدرت و شدت بیشتری به صحنه بر می گردند. درست همانطور که در مورد هر سه جنبش که از سال ۸۸ تا ۹۸ رخ داد دیدیم. روند اعتراضات کارگری نیز به همین گونه بوده و مثال خوبی است در این خصوص. شدت عمل دستگاه سرکوب نیز نمی تواند این فرایند را متوقف یا دگرگون نماید

پیشرفت خیزش مردمی خوزستان و همچنین سایر اعتراضات سیاسی و مدنی و پایان دادن به کشتار و سرکوب جنایتکارانه مردم توسط نیروهای رژیم همچنان نیاز به همراهی و حمایت قاطع و بی دریغ و هر چه گسترده تر همه گروه ها و جنبش های اجتماعی، بویژه جنبش کارگری و سایر جریانات به واقع عدالتخواه دارد. همانطور که به درستی در بیانیه حمایتی شورای رهبری اعتصاب سراسری کارگران نفت آمده، خواسته های مردم خوزستان، خواسته های کارگران در سراسر ایران هم هست. هم از این رو دفاع کارگران از خیزش مردم زحمتکش خوزستان دفاع از خواسته های

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!

تجربه تعاونی موندراگون بخش ششم

خابیر باراندیاران و خاویر لزاون



۴. بین المللی شدن موندراگون

تعاونیهای موندراگون در درون اقتصاد بسته اسپانی زاده شده و پا گرفته بودند. این اقتصاد فرصتهای محدودی را برای توسعه خارجی و بسیاری حمایتها را در برابر رقابت خارجی در اختیار این تعاونیها قرار می داد. در اواسط سالهای ۱۹۶۰ برخی تعاونیهای صنعتی، به ویژه آنها که در بخش ماشینهای صنعتی فعال بودند، پا به بازارهای خارجی نهادند. اما بین المللی شدن جدی گروه موندراگون تا سال ۱۹۸۶، که اقتصاد اسپانیا باز شد و این کشور به عضویت اتحادیه اروپا درآمد، و حتی تا تکمیل عضویت کامل اسپانیا در بازار واحد اروپا در سال ۱۹۹۲ تحقق نیافت.

با لیبرالیزه شدن اقتصاد اسپانیا موندراگون دست به انتخاب استراتژیک مهمی برای بین المللی کردن محصولات خود زد.

تعاونیهای صنعتی موندراگون از زمره نخستین شرکتهای اسپانیایی بودند که از امتیازات کامل فرصتی که بازار اروپا فراهم می آورد، بهره گرفتند. چهارمین کنگره موندراگون، منعقد در سال ۱۹۹۳، این رویکرد را به عنوان یکی از اولویتهای تعاونیها اعلام کرد. این تصمیم در طرح استراتژیک تعاونیهای موندراگون برای بین المللی شدن، که شورای عمومی موندراگون در سال ۱۹۹۴ تدوین کرد، انعکاس مستقیم یافت. این در زمانی بود که ایالت باسک زیر آوار شرکتهای صنعتی بزرگ خرد می شد و این درک در موندراگون به طور گسترده فراهم آمده بود که اگر تعاونی نتواند در بازارهای بین المللی با موفقیت به رقابت برخیزد، به سرنوشت مشابهی دچار خواهند شد. هدف



اقتصادی مقدم تعاونیها، یعنی تأمین شغل ایمن و با کیفیت در اجتماعات محلی، نیازمند استراتژی فعالی برای بین المللی کردن موندراگون بود.

فرمولی که برای بین المللی کردن موندراگون انتخاب شد، آن را با چالشها و فرصتهایش ترسیم می کرد. شرکتهای بزرگی که در بازارهای اشباع شده داخلی فعالیت می کردند، استراتژی بین المللی سازی شان را بر انتقال ظرفیت تولید به کشورهای با دستمزد پایین از طریق شرکت های تابعه شان در این کشورها و حفظ عملیات با ارزش بالاتر (، که Fagor در تعاونی های داخلی متمرکز کردند. در این رابطه نمونه کارخانه وسایل الکتریکی خانگی فاگور) ما بعداً به تفصیل به آن خواهیم پرداخت، بسیار شاخص است.

در عین حال، بسیاری از تعاونیهایی که اساساً به عنوان تأمین کننده محصولات واسطه مورد نیاز شرکتهای چندملیتی عمل می کردند (کارخانه های فعال در تولید قطعات اتومبیل بهترین مثال برای این نوع کارخانه هاست)، مجبور بودند برای حفظ همجواری با مشتریان استراتژیک شان، تولید خود را کلاً به جای دیگری انتقال دهند. برای این که تصویری از ابعاد این روند به دست دهیم: در سال ۲۰۱۴ تعاونیهای موندراگون یا شرکتهای وابسته به آنها صاحب هژده مؤسسه تولیدی در چین، ده تا در مکزیک، نه تا در جمهوری چک، ۷ تا در برزیل و ۶ تا در لهستان بودند. در برخی موارد گروه موندراگون به عنوان واسطه فعالیت های جدید بین المللی عمل کرد، به عنوان مثال، از طریق ایجاد پارکهای صنعتی در کنشان در چین و پونا در هند. چند تا از تعاونیهای صنعتی موندراگون از زمره رقابتی ترین و صادرات بنیان در میان شرکتهای اسپانیایی اند. کمپانیهای چون اوروئا (سازنده آسانسور)، فگور ادرلان (سازنده قطعات اتومبیل) یا دانوبوت (سازنده ابزار مکانیکی) — به عنوان مشتی از خروار — با موفقیت در بازارهای رقابتی بین المللی عمل می کنند. این کیفیت بر پایه تجربه ای میدانی حجتی است بر این که اصول تعاونی سازمانگری و مالکیت، از قابلیت رقابت با عالیترین استانداردهای فعالیت اقتصادی برخوردارند.

گسترش سریع بین المللی شدن موندراگون از دهه ۹۰ قرن گذشته به این سو منجر به تنوع در تیپ های عضویت تعاونیهای عضو آن، و عدم تجانس بیشتری در قراردادهای استخدامی در تعاونیها شده است. این چیزی است که به موضوع داغی در حال و آینده جنبش تعاونی شده است. علاوه بر تیپهای سنتی کارگر-عضو، تعاونیها دست به استخدام فزاینده کارگران، خاصه با قراردادهای کوتاه مدت، زده اند. این کارگران از حقوق و وظایف مربوط به اعضای تعاونیها برخوردار نیستند. در برخی موارد تعاونیها همچنین به استخدام کارگر-اعضائی "با حق محدود" دست می زنند. این اعضا از همان حقوق مشارکتی برخوردار اند که کارگر-اعضای دائمی. اما مشمول همان حمایتهای تأمین اجتماعی نمی شوند. اگر فقط کارگرانی را که توسط خود تعاونیهای عضو، و نه آنها که توسط شرکتهای وابسته به آنها، استخدام شده اند در نظر بگیریم، در حال حاضر کارگر-اعضا ۸۰ درصد کل نیروی کار شرکتهای صنعتی موندراگون را تشکیل می دهند. نسبت قابل توجهی از کارگران بدون موقعیت عضو در بخش توزیع، خاصه در تعاونی مصرف اروسکی، متمرکز شده است. گسترش سریع تعاونی اروسکی در بازار اسپانیا با خرید شرکتهای خرده فروشی و توزیع مواد غذایی سرمایه داری میسر شده است، که غالب کارگران آنها فقط کارمند اروسکی باقی مانده اند (حتی وقتی امکان عضویت آنان به عنوان کار-عضو در موندراگون برای آنان فراهم شده بوده است). امروزه حدود نیمی از ۳۶ هزار مستخدمان اروسکی کار-عضو موندراگون اند.

نان گران شد، سفره ها تهی تر!

صادق



در هفته گذشته سرانجام افزایش قیمت نان که خبر آن از دوماه پیش بر سر زبانها بود و مسئولین دولتی از تائید و تکذیب آن طفره می رفتند رسماً عملی شد و بین ۶۰ تا ۸۰ درصد گران شد. البته قبلاً صحبت از افزایش صد در صدی قیمت نان می شد، اما گویا مصلحت ندیدند که یکباره آن را دوبرابر کنند. این برای چهارمین بار بود که دولت روحانی طی ۸ سال گذشته قیمت نان را افزایش داد. طبق صحبت ها و قول قرار سه چهار ماه پیش روحانی قرار نبود قیمت هیچ یک از کالاهای اساسی تا پایان دوره ریاست جمهوری او افزایش داده شود. با این همه او این بار نیز به این قول و وعده اش پایبند نماند. عجب اینکه در این مدت رشد قیمت سایر کالاها چهار نعل تاخت و تا آنجا تاخت که کار عده زیادی از مردم را به خوردن پوست مرغ کشاند و عده دیگری را به جستجوی غذا در سطل های زباله واداشت.

متأسفانه حالا دیگر عده ای از آنها که سروکارشان به خوردن پوست مرغ کشید دیگر قادر به خرید پوست مرغ هم که نیستند هیچ با گران شدن نان تهیه نان هم برایشان به دشواری میسر می شود. قیمت همه کالاهای اساسی در دو سه ماه اخیر چنان رشد جهشی بخود گرفت که در تصور نمی گنجید. قیمت مرغ، تخم مرغ، برنج، حبوبات، سیب زمینی، روغن، شکر، لبنیات، که غذای اصلی مردم هستند در این مدت به شدت گران و بعضاً کمیاب شدند که خرید آنها برای میلیون ها ایرانی مزد و حقوق بگیر و حاشیه نشین نا ممکن شد. هم اکنون نیز همه قرائن حاکی از افزایش باز هم بیشتر قیمت ها است. کار شناسان اقتصادی خبر از تورم

و ۷۰ درصدی و ابر تورم در ماه های آینده می دهند. این در حالی است که هم اکنون هم قدرت خرید مردم با ۵۰ درصدی قیمت های موجود از بین رفته است.



فروشگاه های بزرگ شروع به فروش مواد غذایی بصورت اقساطی نموده اند. یکی از فروشگاه های بزرگ کیسه برنج ۲۰ کیلویی را که قیمت اش به ۳۶۰ هزار تومان رسیده با اقساط سه ماهه می فروشد. کارشناسان اقتصادی صحبت از افزایش قیمت مرغ به ۸۰ تا ۱۰۰ هزار تومان و گوشت کیلویی ۲۰۰ هزار تومان می کنند. قراین موجود نیز نشان می دهند که افزایش قیمت شیر و لبنیات در هفته های آینده اجتناب ناپذیر می نماید و به احتمال زیاد اگر پیشبینی ابر تورم عملی شود، قیمت نان و جایگزین های آن نیز دوباره گران خواهند شد.

دولت رئیسی نیز بعید است بتواند ثبات نسبی در قیمتها بوجود بیاورد و حداقل مانع صعود بیشتر آنها شود. فعلا صحبت از افزایش یارانه ها بعنوان چاره در میان دارودسته رئیسی مطرح است. عده ای اما آن را به هیچ وجه کافی و موثر نمی دانند و بر این نظرند که این راه کار امتحان اش را پس داده و ناموفق از کار درآمده است.

از سوی دیگر دولت می خواهد با اندکی افزودن به یارانه هایی که ارزش شان از دست رفته است به زعم خود افزایش قیمتها و از دست رفتن ارزش دستمزدها را جبران کند و به بهانه افزایش دادن یارانه از افزایش دستمزد ها و حقوق های بازنشستگی امتناع می ورزد.

مخالفت مجلس با تصویب دائمی کردن همسان سازی حقوق بازنشستگان، و امتناع از افزایش دستمزدها به رغم گران شدن قیمت نان یعنی غذای اصلی مردم و سایر مواد غذایی بقدر کافی گویاست.

متاسفانه به نظر می رسد اکثریت مردم با وجود گرانیهای روز افزون ناچار خواهند شد روزگار شان را به صورت گرسنه و نیمه گرسنه بگذرانند. بر خلاف وعده های رئیسی و مجلس نشینان مبنی بر کنترل تورم و کاهش قیمتها چشم اندازها تیره و تار می نمایند. رئیسی وعده داده بود با تک رقی کردن تورم قدرت خرید مزد و حقوق بگیران و سایر تهی دستان شهری و روستایی را بالا ببرد و معیشت آنها را بهبود ببخشد. نیلی اما در جلسه هفته گذشته اقتصاددانان که رئیسی هم در آن حضور داشت با گفتن اینکه ابر تورم در راه است، همه خواب و خیالهای او را باطل کرد.

ظاهرا همه امیدها اکنون به توافق بر سر برجام بسته شده. عده ای از وابستگان به محافل صنعتی نیز با اشاره به وضعیت به شدت بحرانی کشور امیدوارند حکومت با امریکا زودتر به توافق برسد، بلکه وضعیت اقتصادی اندکی قابل تحملتر شود.

روزنامه جهان صنعت که منافع و نقطه نظرات بخشی از سرمایه داران بیشتر تولیدی را منعکس می کند، پنجشنبه همین هفته در یکی از مقالات اصلی روزنامه نوشت: "از آنجا که سرنوشت اقتصاد ایران به طور کامل به نتیجه مذاکرات گره خورده در صورتی که طرفین به مذاکره نرسند، پول های بلوکه شده ایران آزاد نشود و دولت قادر به فروش نفت نباشد جولان نقدینگی در اقتصاد و تقاضاهایی که از پی آن می آید نرخ تورم را ۲۰ تا ۳۰ واحد بیشتر از نرخ کنونی آن افزایش می دهد و به این ترتیب ما امسال نرخ تورم ۷۰ درصدی و گرانی وسیع کالاهای مصرفی را نیز به احتمال بسیار زیاد تجربه خواهیم کرد. نویسنده در ادامه افزود: "اما از آنجایی که نرخ تورم ۷۰ درصدی برای هیچ دولتی و با هر رویکردی نمی تواند توجیه پذیر باشد، می توان احتمالات در خصوص به نتیجه رسیدن مذاکرات را مثبت ارزیابی کرد: "گفتنی است که این بخش از سرمایه داری نیز به اندازه بخش تجاری و بازار با افزایش دستمزد ها به شدت مخالفند و خواهان منجمد کردن و بعضا نیز از کاهش دستمزدها در شهرهای کوچک و مناطق روستایی دفاع و همچنین مخالف تعیین حداقل حقوق سالیانه هستند.



کارفرمایان می توانند با بالا بردن قیمت کالاهایشان و ثابت نگاه داشتن دستمزدهای کارگران شان از پس ابر تورم برآیند و ثروتمندها و سرمایه داران ثروتهای شان را چند برابر کنند، اما بازنده اصلی گرانی افسار گسیخته کالاها اکثریت بزرگ جمعیت کشور هستند، که اندک قدرت خرید باقی مانده شان را از دست خواهند داد. نان گران شد، سفره های زحمتکشان تهی تر از گذشته. یک کارگر نانوائی مشهدی پس از گران شدن نان گفت با وجود گران شدن قیمت نان صاحب نانوائی حاضر نیست دستمزد ما را افزایش دهد. نتیجه می شود اینکه نانوا نان را حداقل ۶۰۰ درصد گران تر از قبل به کارگرش می فروشد، بدون آنکه دستمزد کارگرش را نیز افزایش دهد! با این اوصاف کارگر لزوما نباید کاپیتال مارکس خوانده باشد تا مفهوم مناسبات جاری در حکومت عدل علی خامنه ای و شرکا را درک کند! این تازه یک کاسبکار خرده پاست که چنین مناسباتی با کارگر خودش برقرار می کند. وای به حال کله گنده هاشون!



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه و گسترش اعتصاب سراسری کارگران نفت و همبستگی وسیع مردمی با اعتصابیون

اعتصاب سراسری کارگران شرکتهای پیمانکاری فعال در صنعت نفت در این هفته نیز ادامه پیدا کرد و هفته چهارم خود را پشت سر نهاد و وارد پنجمین هفته خود شد. در این هفته نیز با پیوستن تعداد دیگری از واحد ها صنعتی به این اعتصاب دامنه آن به میان کارگران غیر نفتی نیز افزایش پیدا کرد. همچنین حمایتهای مردمی از کارگران اعتصابی شدت بی سابقه‌ای یافت. به جرات می‌توان گفت که تا کنون هیچ اعتصابی با این همه حمایت از طرف مردم و سازمانهای مدنی و مردمی مواجه نشده است و با طولانی شدن مدت اعتصاب این حمایتها نیز فزونی گرفته‌اند. شورای سازماندهی اعتراض که نقش اصلی در برپایی و هدایت این اعتصاب تاریخی را داشته و دارد در این هفته نیز با انتشار دو بیانیه تازه در خصوص چگونگی روند و نتایج اعتصاب و همچنین تلاشهایی که از جانب افراد فرصت طلب تحت حمایت تشکلهای حکومتی و کارفرمایان برای اخلال و انحراف در صفوف متحدانه کارگران اعتصابی به عمل می‌آید، اطلاع رسانی کرد. این شورا در بیانیه خود بر پایبند ماندن به شروط چهارگانه اعتصابیون بعنوان مبنای توافقات جمعی با کارفرمایان که از طرف شورا مطرح شده‌اند تاکید کرد.

کارگران شرکتهای مختلف نیز طی هفته جاری با تشکیل مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان خود گام بزرگی در راستای سازمانیابی خود به پیش برداشتند. گامهای که می‌تواند مقدمه‌ای برای نهادینه کردن تشکلهای مستقل در میان کارگران صنعت نفت باشد و به پراکندگی کارگران نقطه پایان بگذارد و راه سوء استفاده کارفرمایان و دولت از بی تشکلی را ببندد. خبرهایی نیز در مورد ترفندهای کارفرمایان که در واقع جهت انداختن شکاف میان اعتصابیون بکار گرفته می‌شود وجود دارد که خوشبختانه به هدف اصابت نکرده‌اند. سیاست معروف شلاق و شیرینی بخشی از این ترفندهاست.

اگسترش و ادامه اعتصاب کارگران هفت تپه

اعتصاب کارگران مجتمع هفت تپه که از هفته گذشته با پیوستن سایر بخشهای تولید به کارگران قسمت دفع آفات گسترش یافت در این هفته نیز فعالانه ادامه پیدا کرد و وارد یازدهمین روز خود شد. کارگران با تشکیل جلسات، سخنرانی و تظاهرات خیابانی و اطلاع رسانی منظم از طریق کانال تلگرامی سندیکای خود دلایل اعتصاب و



مطالبات خود را تشریح نمودند. کارگران اعتصابی خواستار اخراج کارفرما، محاکمه اختلاسگران، به کار همکاران اخراجی، پرداخت مطالبات مزدی پرداخت نشده خود هستند و افزون بر آن خواهان قطع پیگرد فرزانه زیلابی وکیل مدافع کارگران هفت تپه هستند. گفتنی است که خانم زیلابی به دلیل به عهده گرفتن وکالت کارگران زندانی و تحت پیگرد هفت تپه، خود نیز تحت پیگرد قرار گرفته و برای او پرونده امنیتی در دستگاه قضایی تشکیل داده‌اند. این که برای وکیل به دلیل وکالت که شغل او می باشد پرونده تشکیل دهند و برایش حکم مجازات صادر کنند البته بسیار احیرت انگیز است. اما در دستگاه قضایی فقها نه عجیب و نه نخستین بار است که رخ می دهد

اعتراض کارگران رسمی آب و فاضلاب در اهواز

کارگران رسمی آب و فاضلاب شهر اهواز نیز همزمان با اعتراضات مردم اهواز به اعتراض برخاستند. این کارگران که سه ماه است دستمزدها و حق بیمه‌شان را به آنها و تامین اجتماعی نداده‌اند از لحاظ معیشتی به شدت در تنگنا قرار دارند و نمی دانند بدون دستمزد چگونه باید هزینه های زندگی خانواده هایشان را تامین کند. گفتنی است که کارگران آب و فاضلاب روستایی که رسمی هم نیستند طی چند ماه گذشته به دلایل مشابه و همچنین بلاتکلیفی استخدامی بعد از تفکیک کارگران آب و فاضل آب روستایی و شهری حداقل ده بار دست به اعتراض زده‌اند ولی متأسفانه به اعتراض و خواسته های آنها نیز توجه نشده. حالا نیز کار به کارگران رسمی و شهری رسیده است! مسئولین دولتی گویی بیش از آنکه در شغلی که به آنها واگذار می شود مجرب باشند، در ایجاد تفرقه و الگد مال کردن حقوق کارگران و سرکوب اعتراضات و ایجاد بحران برای مردم مهارت دارند

واکنش اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی نسبت به رد لایحه همسان سازی

باز نشستگان شرکت مخابرات در ۲۸ تیر در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته هایشان در تبریز و شهر کرد تجمع کردند و بار دیگر خواستار پاسخ دادن به خواسته های خود شدند

به دنبال اظهارات الیاس نادران رئیس کمیسیون تلفیق بودجه و حسن شریعتمداری نماینده منفور و مزدور خامنه‌ای در روزنامه مصادره شده کیهان و همچنین مخالفت ۵۰ تن از نمایندگان فرمایشی مجلس با تصویب لایحه دایمی شدن همسان سازی حقوق و مستمری های بازنشستگان، موجی از اعتراض علیه آیین جماعت فریبکار و دغلباز که تا چندی پیش در جلد حامیان همسان سازی رفته بودند، در شهرهای مختلف کشور شروع شده است. قابل پیشبینی است که با نزدیک شدن زمان بررسی لایحه مذکور اعتراضات باز نشستگان نیز تشدید شود. متأسفانه ترکیب مخالفین در درون مجلس و دولت رئیسی با تصویب این لایحه به شکلی است که از هم اکنون رد لایحه قطعی به نظر می رسد. تنها چاره‌ای که مقابل بازنشستگان و تشکلهای مستقل آنها وجود دارد گسترش و ادامه تظاهرات خیابانی با خواست تصویب لایحه است.

اعتراض کارگران پیمانکار فنی نفت به امتناع کارفرمایان از اجرای طبقه بندی مشاغل ۱

کارگران قسمت تعمیرات نفت در فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی در ۲۹ تیر ماه در اعتراض به امتناع کارفرما از پرداخت مزد طرح طبقه بندی مشاغل دست به تجمع زدند

به نوشته خبرگزاری ایلنا: "ناظر شرکت ملی گاز وعده داده بود تا مزد طبقه‌بندی مشاغل ماه‌های فروردین و اردیبهشت تا پنجم ماه جاری به حساب کارگران واریز شود اما تاکنون مبلغی پرداخت نشده و مزد مبنای این طرح



به صورت یکجا پرداخت نمی‌شود". گفتنی است که کارگران فنی نقشی اساسی در گردش امور تولید دارند و اگر دست از کار بکشند چرخ تولید می‌تواند بکلی از کار بیفتد. بهمین جهت آنها با داشتن این امتیاز منحصر به فردی توانند کار فرما را بر آن دارند تا خواسته‌های به حق آنها را برآورده کنند. یک روز بعد از این تجمع مدیریت شرکت از ورود ۵ کارگر به داخل شرکت به دلیل شرکت در سازماندهی این تجمع جلوگیری کردند.

اعتصاب کارگران شهرداری کوت عبدالله یک ماهه

اعتصاب کارگران شهرداری کوت عبدالله که از اول تیر ماه و در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی، حق سنوات و رد نکردن حق بیمه کارگران شروع شد در این هفته نیز ادامه پیدا کرد. کارگران اعتصابی در این هفته با برگزاری تجمع و راهپیمایی و ادامه اعتصاب خود همچنان پیگیر مطالبات شان هستند. در این میان مسئولین شهرداری با رفع مسئولیت از خود کارگران را به شرکت پیمانکار حواله می‌دهند. ظاهراً شرکت پیمانکار طرف کارگران نیز از چنان پشتیبانی فرا قانونی برخوردار است که می‌تواند قوانین و مقررات را لگد مال نموده و ککش هم نکرد. مدیران ادارات کار نیز انگار نه انگار که وظیفه نظارت بر اجرای قانون به عهده آنها قرار دارد هیچ اقدامی برای اعاده حقوق کارگران نمی‌کنند.

تجمع کارگران معدن مس سونگون و ورزقان

کارگران این معدن در ۲۷ تیر در اعتراض نسبت به تلاش کارفرما برای گرفتن سند سفید امضا از کارگران تجمع کردند. ظاهراً طبق یک توافق قبلی میان کارگران و کارفرما قرار بوده دستمزدهای کارگران افزایش داده شود. با این حال به رغم افزایش تولید کارفرما از افزایش دستمزد امتناع نموده و تلاش کرده است با گرفتن سند سفید امضا زیر قول و قرارش بزند.

تجمع فعالین سرشناس جنبشهای کارگری و مدنی در تهران به حمایت از خیزش مردم خوزستان

شماری از فعالین سرشناس جنبشهای کارگری و مدنی، که نرگس محمدی، جعفر عظیم زاده، پروین محمدی، آرش کیخسروی حمید آصفی، پوران ناظمی و روح‌الله مردانی در میان آنها حضور داشتند، با تجمع در مقابل وزارت دفاع سرکوب و کشتار تظاهرات مردم خوزستان را محکوم و با تظاهر کنندگان اعلام همبستگی کردند. بی‌بی‌سی در گزارش ویدئویی که از این تجمع منتشر کرد، به نقل از خانم نرگس محمدی از کتک زدن بعضی از شرکت کنندگان این تجمع و بازداشت و آزادی آنها ساعاتی بعد از بازداشت خبر داد.

شمار بزرگی از تشکلهای کارگری و مدنی، از سندیکاهای کارگران هفت تپه و واحد و کانون همکاری تشکلهای فرهنگی معلمان گرفته تا کانون نویسندگان و شماری از ورزشکاران و هنرمندان مختلف حمایت خود را از خیزش مردم زیر ستم و زحمتکش خوزستان اعلام و کشتار معترضین بی‌دفاع و بی‌سلاح را که بدور از خشونت سعی می‌کنند اعتراض خود را نسبت به بی‌آبی، بی‌نانی و تبعیض و تخریب منابع طبیعی و زیست محیطی و استبداد مطرح کنند، محکوم کردند. در خرم‌آباد، چند منطقه تهران، متروی کرج، یزدان شهر اصفهان نیز مردم با برپایی تجمع و اعتراضاتی به حمایت از هم‌میهنان خود در خوزستان برخاستند. کارگران فولاد اهواز با دادن بیانیه و کارگران هفت تپه با راهپیمایی حامی خود از خیزش مردم را اعلام کردند. دامنه اعتراضات در خوزستان نیز گسترش یافت. در این میان نیروهای سرکوبگر رژیم با حمله به تجمعات مردمی در تعدادی از شهرها بسوی مردم



گاز اشک آور و گلوله شلیک کردند و عده‌ای از مردم را به قتل رسانیدند و شمار بیشتری را نیز مجروح نمودند. برخی خبرها حاکی از بازداشت عده زیادی از مردم دارد. عوامل وابسته به حکومت و نیروهای امنیتی در رسانه‌ها ی اجتماعی نیز بیکار ننشسته و با تبلیغات وارونه تلاش می‌کنند با سیاه‌نمایی و زدن برجسبهای ناروا تفرقه در میان مردم خوزستان ایجاد نموده و موج همبستگی بزرگی را که در شهرهای مختلف کشور با خیزش مردم خوزستان به راه افتاده مهار کنند. آنها با زدن اتهاماتی چون جدایی طلب و اغتشاگر و برهم زدنندگان نظم، به اعتراضات مسالمت آمیز سعی در شوراندن مردم علیه یکدیگر دارند. تلاشهایی که خوشبختانه بواسطه آشنایی و شناخت مردم از ماهیت آنها تا کنون نتوانسته است دستگاه سرکوب رژیم را به اهداف پلیدش برساند. مقاومت مردم به پا خاسته خوزستان و حمایت‌های گسترده مردم سایر مناطق کشور از آنها، سران رژیم را که به امید فرونشاندن اعتراضات به مدت یک هفته مهر سکوت بر لب زده بودند، مجبور به شکست سکوت شان کرد. خامنه‌ای، روحانی و رئیسی در چهار شنبه و پنج شنبه به مردم وعده رسیدگی دادند و آب سد کرخه به روی هورلعظیم را گشودند. این عقب نشینی‌ها از نخستین دست آوردهای خیزش مردم خوزستان است. محال بود بدون انجام این خیزش تغییری بطور داوطلبانه توسط سران حکومت در سیاستها و رفتارشان با مردم خوزستان بوجود بیاید.

حمایت شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی صنعت نفت از خیزش مردم خوزستان

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت در ۳۱ تیر با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از خیزش مردم خوزستان اعلام کرد. در بخشی از این بیانیه گفته شده: "یک هفته است که خوزستان آرام و قرار ندارد. مردم تشنه اند. مردم گرسنه اند و تاملینی ندارند. بسیاری از مردم در این بحران آب، کشت و دام خود و در نتیجه کار و هستی خود را از دست داده اند. مبارزات این مردم برحق است و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت حمایت خود را از مبارزات این مردم اعلام میکند.

در اعتراضات مردم معترض خوزستان شمار بسیاری دستگیر شده اند. و باز ما شاهد این هستیم که جواب مطالبات به حق مردم با گلوله داده شده و امروز هم استاندار این استان تحت عنوان اینکه هر گونه اخلاص و نا امنی را برخورد قاطع خواهند کرد تهدید کرد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت این سرکوبگری‌ها را محکوم میکند و خواستار پاسخ سریع به مطالبات برحق این مردم است. آزادی فوری بازداشت شدگان در خوزستان و پایان دادن به این فاجعه زیست محیطی در خوزستان و در همه جا خواستهایی است که امروز بر دیگر مطالبات ما اضافه شده است.

همین جا تاکید میکنیم که مطالبات مردم خوزستان مطالبات ما کارگران نفت که بخشی زیادی از سال را دقیقاً در خوزستان و استانهای همجوار آن در جنوب ایران بسر میبریم و زیر آفتاب سوزان تابستانی کار میکنیم نیز هست.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>